

خشونت علیه زنان و عوامل موثر بر آن مطالعه موردی شهرستان شهرکرد^(۱)

ام‌الله رئیسی سرشنیزی*

چکیده

زنان به نحوی از انحاء چه در محیط خصوصی (در خانه پدر، شوهر) و چه در محیط عمومی (اجتماع) مورد خشونت قرار می‌گیرند. متأسفانه با توجه به پیامدهای جبران ناپذیر خشونت هم برای جوامع و هم برای زنان، این مسأله مورد توجه دولتها چندان که باید واقع نشده است. توجه به بعد خشونت پنهان یعنی خشونتی که در خانواده‌ها وجود دارد ولی بدلائل گوناگون به مراکز قضایی و دولتی گزارش داده نمی‌شود، اولویت پژوهش انجام شده است.

این تحقیق در سال ۱۳۸۰ از بین زنان و مردان متأهل شهرستان شهرکرد واقع در استان چهارمحال و بختیاری، ۱۶۲ زوج (مرد و زن) را انتخاب نموده و خشونت را از دید آنان بررسی کرده است. متغیرهایی چون اشتغال، تحصیلات، آشنایی قبل از ازدواج، نوع ازدواج (تحمیلی، اختیاری) اقتدار مرد در خانواده، دخالت اطرافیان در طول دوران زناشویی و تفاوت سنی را آزمون نموده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیر اقتدار و سلطه مرد در خانواده، بیشترین تأثیر را در خشونت علیه زنان دارد.

کلید واژه

اشتغال / اقتدار / تحصیلات / تضاد / خشونت علیه زنان

* دارای کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

مقدمه

اعمال خشونت علیه زنان^۱ و بدرفتاری با آنها از رایج‌ترین جرائم اجتماعی و از عریان‌ترین جلوه‌های مردسالاری در جهان امروز است که در تمام ملیتها، طبقات و گروههای اجتماعی به چشم می‌خورد. همچنانکه به لحاظ تاریخی، نخستین پیشینه جرم را باید در اسطوره‌ها و داستانهای دینی، نظیر هابیل و قابیل سراغ گرفت، واژه قربانی و بزه دیده نیز نخستین بار در مورد باکرگانی که به منظور انجام فرائض مذهبی به قربانگاه فرستاده می‌شدند، بکار گرفته شده است. بدین ترتیب سوء استفاده از زنان مشکل تازه‌ای نیست، بلکه قدمتی به قدر کهن‌ترین افسانه‌ها دارد. خشونت علیه زنان پدیده‌ای جهانی است و آمار زیر بردستی مطلب صحه می‌گذارد: (سام‌گیس، ۱۳۷۷، ۵)

- ❖ ۳۰ تا ۵۰ درصد زنان آمریکایی مورد آزار جنسی شوهرانشان قرار می‌گیرند.
 - ❖ ۱۵ تا ۲۵ درصد زنان آمریکایی هنگام بارداری نیز مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند.
 - ❖ طبق گزارش سازمان اف. بی. آی. در سال ۱۹۹۲ در آمریکا، از هر ده قربانی زن، سه نفر توسط شوهر و یا دوست پسر خود کشته شده‌اند.
 - ❖ در کشور کلمبیا بیش از ۲۰ درصد زنان مورد آزار لفظی یا روانی شوهران خود قرار می‌گیرند.
 - ❖ در شهر سانتیاگو (کشور شیلی)، ۶۳ درصد از زنان مورد آزار جسمی قرار می‌گیرند.
- با وجود آمار و ارقام موجود درباره وضعیت خشونت در جهان، متأسفانه در ایران در این مورد گزارش مشخصی وجود ندارد. بدلیل اینکه یکی از ویژگی‌های اصلی خشونت علیه زنان، پنهان بودن آن هم از نظر خانواده‌ها و هم از نظر دولتهاست. زنان تا کارد به استخوانشان نرسد، از زندگی خشونت آمیز خود حرفی نمی‌زنند. این پرهیز در هر جامعه دلایل خاص خود را دارد و با شرایط اجتماعی و زندگی فردی زنان در هر جامعه متناسب است. این پژوهش درصدد آشکار ساختن جنبه‌هایی از خشونت پنهان در خانواده‌های شهرستان شهرکرد است.

طرح مسأله

خشونت علیه زنان مانعی در برابر دستیابی به اهداف برابری، توسعه و صلح است. خشونت بر خورداری زنان را از حقوق بشر و آزادیهای بنیادین، نقض، تضییع و یا سلب می‌کند و ناکامی دیرینه در حفظ و ارتقاء این حقوق و آزادی در مورد اعمال خشونت علیه زنان مایه نگرانی همه کشورهاست. «اصطلاح خشونت علیه زنان» به هر فعل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت مؤنث اطلاق می‌شود که منجر به آسیب دیدگی یا رنج روانی و جسمانی و جنسی آنان شود سوال مهم این است که آیا این پدیده یک مسئله اجتماعی قلمداد می‌شود؟ اگر بپذیریم خشونت همواره عملی نامشروع است، چرا برخی از مردان بدان متوسل می‌شوند و برخی دیگر هرگز بدان دست نمی‌زنند؟ چه می‌شود همسرانی که با هم ازدواج کرده‌اند و باید آرام بخش و آرامش‌آفرین یکدیگر باشند، به دشمنی با هم بر می‌خیزند؟

در هر جامعه‌ای شکلهای خشونت با ساختار قانونی، دینی و سیاسی همان جامعه متناسب است. در ایران خشونت علیه زنان همواره بعنوان ابزاری برای تثبیت قدرت مردانه بکار رفته و بطور مشخص در دو حوزه خصوصی و عمومی اتفاق افتاده است. حوزه خصوصی شامل خشونت در خانه پدر و شوهر می‌باشد و از حوزه عمومی می‌توان به مواردی چون آداب و رسوم، فرهنگ شفاهی و مکتوب، نهادهای اجتماعی و نظام حکومتی اشاره کرد. خشونت علیه زنان پدیده‌ای است اجتماعی، اما نمی‌توان با توضیحات کلی علت واقعی وقوع خشونت را تبیین کرد. باید رابطه بین خشونت‌کننده و قربانی را در نظر گرفت و بررسی بزه شناختی عمل خشونت‌آمیز را از جنبه‌های گوناگون روانشناختی و جامعه‌شناختی مورد تحلیل و مطالعه قرار داد.

هدف تحقیق

هدف کلی این پژوهش بررسی وضعیت خشونت علیه زنان در شهرستان شهرکرد و علل و عوامل موثر بر این خشونت است. بعبارت دیگر بررسی شدت و فراوانی خشونت علیه زنان در شهرستان شهرکرد و شناخت ریشه‌های آن و ارائه

- راهکار موثر برای کاهش آن اهداف این طرح را تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب نوشتار حاضر تلاش دارد که به سوالات زیر پاسخ دهد:
۱. شدت خشونت در شهرستان شهرکرد چگونه است؟
 ۲. میزان خشونت در نقاط شهری و روستایی چگونه است و کدامیک بیشترین فراوانی را دارد؟
 ۳. چگونه و با چه راهکارهایی می‌توان از میزان خشونت علیه زنان کاست؟

تعریف خشونت

فرهنگ حقوقی، خشونت را «استفاده نابجا، غیرقانونی و تعرض آمیز از قدرت» تعریف می‌کند. یک نوع آن اجباری غیرقانونی است که علیه آزادی‌ها و حقوق عمومی بکار برده می‌شود و در ارتباط با جرائم خشونت آمیز به جرائمی اشاره دارد که جنبه فیزیکی یا جسمی بی‌نهایت شدیدی دارا باشد و این وصف را بعنوان شخصیت و ساختار مجرمانه بودن عمل فوق‌الذکر، ضروری دانسته است مانند قتل عمد، تجاوز به عنف، کتک زدن و ...» (معمدی مهر، ۱۳۸۰، ۱۸)

تعریفی دیگر از خشونت چنین است:

خشونت را می‌توان عملی آسیب رسان دانست که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام می‌دهد و صرفاً جنبه فیزیکی (بدنی) ندارد، بلکه ممکن است ابعاد روانی (فحاشی، تحقیر، منزوی کردن فرد، داد و فریاد، آزار و مزاحمت جنسی، تجاوز) و اقتصادی (شکستن وسایل خانه و ...) را به خود بگیرد. (کار، ۱۳۷۹، ۲۹۲)

برخی دیگر از جامعه شناسان خشونت رانوعی رفتار آگاهانه و کنترل شده می‌دانند و آن را از زاویه شرایط حاکم بر رابطه قربانی و مجرم توضیح می‌دهند. بنابراین کتک‌کاریهای بدون قصد و خارج از کنترل را اعمال خشونت نمی‌دانند بلکه آن را «دعوا» می‌نامند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که دلیل اصلی جدائی زن و شوهر خشونت است.

تعریف خشونت علیه زنان

نخستین سند حقوق بین‌المللی که بطور ویژه مبارزه با خشونت علیه زنان را هدف قرار داد اعلامیه رفع خشونت علیه زنان بود که در سپتامبر ۱۹۹۳ طی قطعنامه ۴۸/۱۰۴ مورد تصویب سازمان ملل قرار گرفت و در ماده یک به تعریف خشونت علیه زنان پرداخته است^(۲):

«... عبارت خشونت علیه زنان به معنای هر عمل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت است که سبب بروز یا سبب احتمال بروز آسیبهای روانی، جسمانی، رنج و آزار زنان، از جمله تهدید به انجام چنین اعمالی، محرومیت‌های اجباری یا اختیاری در شرایط خاص، از آزادی در زندگی عمومی یا در زندگی خصوصی می‌گردد».

انواع خشونت علیه زنان

۱. خشونت جسمی

خشونت جسمانی علیه زنان به شیوه‌های گوناگون صورت می‌گیرد مانند کتک زدن، شکنجه و قتل. این نوع خشونت به هرگونه رفتار غیراجتماعی که جسم زن را مورد آزار قرار می‌دهد اطلاق می‌گردد. پیامد خشونت جسمی می‌تواند شکستگی اعضاء، پارگی زخمها، بریدگیها، کبودیها، جراحات داخلی، ضربه مغزی، آسیب اعضاء تناسلی، عدم توانایی در وضع حمل، سقط جنین، بیماریهای جنسی، حاملگی‌های ناخواسته و ... باشد. (کار، ۱۳۷۹، ۲۹۲)

۲. خشونت جنسی

خشونت جنسی به هرگونه رفتار غیراجتماعی گفته می‌شود که از لمس کردن بدن زن شروع شده و گاهی تا مرحله تجاوز جنسی زن را آزار می‌دهد. این نوع خشونت ممکن است در حیطه زندگی خصوصی زناشویی و خانوادگی اتفاق بیفتد و بصورت الزام به تمکین از شوهر یا رابطه محارم با یکدیگر در حلقه خویشاوندی علیه زنان اعمال می‌گردد. زنانی که مورد خشونت جنسی قرار می‌گیرند دچار صدمات

روانی، عصبی و عاطفی می‌شوند که بر کل رفتارهای آنان نسبت به جنس مرد تاثیر می‌گذارد» (همان ۳۴۶)

۳. آزار جنسی

«هرگونه توجه نشان دادن نسبت به بدن زن و توافق صریح و یا ضمنی، مشروط بر اینکه ماهیت جنسی داشته باشد، آزار جنسی به شمار می‌رود. آزار جنسی ممکن است در محیط کار، در جامعه یا در محیط خانواده از سوی منسوبین مذکر اعمال شود. آثار و پیامدهای آن از بین رفتن اعتماد به نفس، گوشه‌گیری از اجتماع و ایجاد روح بدبینی در زن است. از نمونه‌های آن می‌توان به مزاحمت‌های تلفنی، متلک‌های مردان در خیابان، مزاحمت‌های درون تاکسی یا معابر عمومی اشاره کرد». (همان ۳۵۳)

۴. خشونت روانی

«رفتار خشونت آمیزی است که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه‌دار می‌کند. این رفتار بصورت انتقاد ناروا، تحقیر، تمسخر، توهین، فحاشی، تهدیدهای مداوم به طلاق دادن یا ازدواج مجدد اعمال می‌گردد. نتایج این گونه خشونت عبارتست از: ازکار افتادگی ادراکی، از بین رفتن اعتماد به نفس، انواع افسردگیها، عدم کفایت زن در مدیریت خانواده، جاه‌طلبی در محیط کار، گریز از مشارکت در امور اجتماعی، باز سازی رفتار خشونت آمیز در بچه‌ها، عدم موفقیت کودکان در تحصیل، عدم کارآیی زن در محیط خانواده، پناه بردن به داروهای روان گردان، الکل، مواد مخدر، فالگیری و رمالی» (همان ۳۵۴).

اشکال دیگری از خشونت وجود دارد که می‌توان از خشونت مالی و خشونت

سیاسی نام برد.

پیشینه پژوهش در ایران

خشونت خانوادگی، مبحث جدیدی است که در دهه‌های اخیر، توجه جامعه‌شناسان و سایر محققان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. یافته‌های پاره‌ای از پژوهشهای انجام گرفته در ایران به صورت خلاصه ارائه می‌شود:

۱. خانم مهرانگیز کار در تحقیقی به نام «پژوهشی در مورد خشونت علیه زنان در ایران در سال ۱۳۷۹» به بررسی خشونت علیه زنان پرداخته است. خانم کار بعد از ذکر مقدماتی، انواع خشونت علیه زنان در ایران را مطرح می‌کند. خشونت در حوزه خصوصی، عمومی و درباره هر یک از انواع خشونت نمونه‌های گوناگونی را از پرونده‌های دادگستری مربوط به مسائل خانوادگی ارایه داده و با زنان و مردان مصاحبه نموده است. وی چه در این پژوهش و چه در پژوهش‌های دیگر، از جمله، «کتاب رفع تبعیض علیه زنان در ایران» به موارد حقوقی موجود که کفه ترازو را به نفع مردان و علیه زنان سنگین‌تر کرده است، پرداخته و معتقد است تا ما از جنبه حقوقی توجه خاصی به مسائل و حقوق زنان نداشته باشیم، نمی‌توانیم شاهد رفع و تبعیض در همه موارد در باره زنان باشیم.
۲. خانم شهیندخت مولوردی دانشجوی رشته حقوق دانشگاه علامه طباطبائی در سال ۷۸-۱۳۷۷، موضوع پایان نامه خود را بررسی مسأله خشونت نسبت به زنان از جنبه حقوق بین‌الملل برگزیده است. روش پژوهش بصورت کتابخانه‌ای است که با استفاده و مطالعه کتابها، جزوه‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات و اخبار مندرج در نشریات، به شکل گیری فرایند تحقیق پرداخته است و از اسناد و مدارک موجود در مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران استفاده چشمگیری نموده است.
 - فرضیه مورد بحث وی، عدم تأثیر مقررات بین‌المللی بر ممانعت و ریشه‌کنی کامل خشونت علیه زنان می‌باشد. به برخی از نتایج تحقیق ایشان بطور اختصار اشاره می‌شود:
 - از آنجایی که حقوق انسانی و بشری زنان و دختران، بخش جدائی ناپذیر، پیوسته و انتقال ناپذیر از حقوق عام بشر است، لذا هرگونه عدم موفقیت سازمان ملل در اجرا، اعتلا، حمایت و احترام به حقوق بشر، بر حقوق انسانی زنان و دختران نیز تاثیر گذارده و آنها را در مقابل انواع اجحافها، تبعیض‌ها و خشونتها و ... فوق‌العاده آسیب‌پذیر می‌کند. توجه به وضعیت فعلی زنان در جامعه جهانی، ما را به این واقعیت رهنمون می‌سازد که قوانین بین‌المللی حقوق بشر نتوانسته است در بهبود شرایط زندگی آنان موفق باشد.

به نظر می‌رسد تا زمانی که تغییرات اساسی در ساختار فرهنگی، نگرشها، سنتها، انگاره‌ها و آموزه‌های مردم سراسر جهان بوجود نیاید و تا زمانی که انسان و انسانیت تعریف درست خود را نیابند، زن بعنوان یک انسان مورد شناسایی قرار نگیرد و برجایگاه شایسته و بایسته خود تکیه نزند، ادعای رفع تبعیض و متعاقب آن، رفع خشونت علیه زنان ادعایی بیهوده و عبث است.

• باوجود آنکه مقررات بین‌المللی حقوق بشر که توسط سازمان ملل هدایت می‌شود، برجانهی بودن ارزشها و جهانشمولی حقوق تکیه دارد، ولی این امر نباید موجب عدم توجه و نادیده گرفتن خصوصیات بومی، ملی، منطقه‌ای و سوابق تاریخی، فرهنگی و مذهبی، و شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشوری بشود.

۳. خانم شهلا طاهری، با همکاری استانداری زنجان (کمیسیون امور بانوان) و به اتفاق خانم دکتر مژگان و آقای جعفر نوائی، تحقیقی را در سال ۱۳۷۹ در مورد بررسی میزان کیفیت خشونت فیزیکی علیه زنان در خانواده در بین مراجعین به پزشکی قانونی و سایر مراکز درمانی شهرستان خدابنده انجام داده‌اند. نوع تحقیق آنها کاربردی - اکتشافی است و از روش مطالعه میدانی و تحلیل محتوا استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه آنها به دو صورت است :

الف . زنانی که در طول سال ۱۳۷۸ در خانواده مورد خشونت فیزیکی قرار گرفته‌اند، تعدادشان ۱۱۶ نفر بوده که پس از بررسی اعتبار مصاحبه‌ها. ۱۰۵ مورد آنها قابل استفاده تشخیص داده شده است.

ب . اخبار مندرج در صفحه حوادث تمام شماره‌های منتشره روزنامه ایران در سال ۱۳۷۷ شامل ۹۰۰۰ زن که توسط شوهر خود کتک خورده یا شکنجه شده‌اند. ۱۲ مورد رها کردن دختر بچه‌ها در خیابان و ۴۱ فقره اقدام به قتل، زندانی کردن در منزل و شکنجه. خلاصه‌ای از نتایج تحقیق ایشان بدین شرح است :

صدمات وارده به زنان شامل خونمردگی، کبودی بدن، کنده شدن موی سر، خونریزی در ملتحمه چشم، شکستگی استخوانها و ... می‌باشد. صدمات وارده بالا بوده است.

برای کتک زدن زنان علاوه بر سیلی و مشت و لگد، از وسایلی چون کابل، کمر بند، بعضاً چاقو استفاده شده است. تناوب زمانی ضرب و شتم قابل توجه است و ۲۵٪ آنان روزی یک تا سه بار از دست شوهر خود کتک می‌خورده‌اند. اکثریت زنان کتک خورده، خاستگاه روستایی دارند. اکثراً یا بی‌سواد هستند یا سطح سوادشان در حد پنجم ابتدایی و پایین‌تر است و به لحاظ شغلی اکثریت خانه‌دار هستند و یا در منزل قالی می‌بافند. ویژگی همسران زنان کتک خورده نشان می‌دهد که اکثراً منشاء روستایی دارند، سطح سوادشان پایین است (پایین‌تر از سوم راهنمایی)، بیشتر کارگران بخش کشاورزی و کاسب‌های خرده پا را تشکیل می‌دهند، ۱۹٪ آنها بیکارند. ۲۵٪ دچار اختلال رفتاری، روانی هستند. ۲۶٪ دارای سابقه کیفری هستند (سرقت، دعوا، قماربازی، خرید و فروش مواد مخدر) و ۲۳٪ معتاد هستند یا بطور تفننی مواد مخدر مصرف می‌کنند و ۲۰٪ دارای پدیده دو همسری هستند.

چارچوب نظری

موضوع خشونت علیه زنان توسط نظریه‌های گوناگون تبیین شده است، که با توجه به هدف این پژوهش از مبانی نظریه‌های تضاد و سلطه استفاده شده که به طور مختصر طرح می‌شود.

۱. نظریه تضاد^۲

طبق این نظریه، ریشه خشونت در تضاد منافع است. رفتارهای خشونت آمیز بدون تضاد منافع نه ضرورت می‌یابد و نه کاربردی دارد. از سوی دیگر جامعه شناسی نوین نشان می‌دهد که تفاوت و تضاد علائق در خانواده بخشی از ساختار خشونت است. طبق تعریف وبر از قدرت، می‌توان گفت در خانواده‌هایی که مرد قدرت کافی برای تابع نمودن دیگری ندارد و می‌خواهد سلطه خود را اعمال کند، تضاد و درگیری بیشتری وجود دارد. تئوری تضاد برای روشن کردن مکانیسم خشونت و علل کاربرد آن

۲. Conflict Theory

کافی نیست. زیرا بدین ترتیب باید نتیجه گرفت، هرچه تضاد بیشتر باشد، احتمال بروز خشونت نیز بیشتر است. اما تحقیقات اشتراوس^۳ و دیگران نشان می‌دهد که برغم بیشتر بودن تضاد و کشمکش، در خانواده‌هایی که اعضای آن برابری بیشتری دارند، اعمال خشونت در میان آنان کمتر رایج است (درویش‌پور، ۱۳۷۸). براساس این نظریه در خانواده‌هایی که اعضای آن برابری بیشتری با هم دارند، تضادها معمولاً با گفتگو حل می‌شود و در رویارویی با اختلافات، اعضاء تحمل و بردباری بیشتری از خود نشان می‌دهند. تحقیقات اشتراوس نشان می‌دهد در خانواده‌هایی که مرد بر دیگر منابع قدرت تسلط ندارد، کاربرد خشونت بعنوان آخرین ابزار قدرت برای حل تضادها افزایش می‌یابد و هم از اینروست که در خانواده‌های طبقات پایین اجتماع که با فشارها و تشوهای بیشتری روبرو هستند خطر توسل مردان به خشونت بیشتر است. زیرا آنان در قیاس با مردان دیگر، منابع قدرت کمتری برای پیشبرد مقاصد، خواسته‌هایشان و ایجاد توازن در زندگی خانوادگی‌شان در اختیار دارند (همان، ۵۲-۵۱).

«اگرچه تضاد و خشونت با همدیگر عملاً اتفاق می‌افتد، اما تضاد لزوماً منجر به خشونت نمی‌شود. حقیقت این است که بسیاری از تضادهایی که با خشونت همراه می‌شود. مفهومش این نیست که خشونت ضرورتی برای حل آنهاست بلکه نشان می‌دهد کسانی که از خشونت استفاده می‌کنند، نمی‌توانند به استراتژی بهتری فکر کنند و اعتقادشان این است که خشونت تنها روش انتخابی موجود است». (Kilen. R, 1998 : 154)

۲. نظریه اقتدار و سلطه^۴

از زمانی که پدرسالاری در حدود چهار تا پنج هزار سال پیش تحکیم یافت و مردان دولتها را بوجود آوردند، یکی از اولین اقدامات آنها این بود که زن را از طریق جنس او توصیف کرده و او را از این لحاظ در تنگنا قرار دهند. آنها کاری با علائق و خواسته‌های زنان نداشتند و فقط خواسته خودشان (مردان) مورد نظر بود. همچنین سعی داشتند بر قدرت باروری زن کنترل کافی اعمال نمایند. «اولین اقدام مردها پس از

۳. Strauss

۴. Authority Theory

رواج پدرسالاری، این بود که فرزندان را وابسته به دودمان پدری کنند و این رسم قدیمی که بچه‌ها باید نام والد شناخته شده مادر را بگیرند، بر انداخته شد. پی بردن به نسبت کودکان از طریق دودمان پدری به مردان این بهانه را داد تا زنان را از سنین جوانی وادار به ازدواج و مراقبت از کودکان کنند. در بعضی از جوامع اولیه اگر زنی رابطه نامشروع داشت، حتی اگر مورد تجاوز قرار می‌گرفت، او را می‌کشتند یا برده می‌کردند. به او حق طلاق یا نگهداری از بچه را نداده و در صورت سقط جنین او را به قتل می‌رساندند» (فرنچ، ۱۳۷۳، ۱۶۱-۱۵۹).

جامعه‌شناسان بسیاری در زمینه اقتدار و سلطه در خانواده به نظریه پردازی پرداخته‌اند، از آن جمله کونینگ^۵ و شلسکی^۶:

۱. کونینگ

کونینگ هم مثل هومانز^۷ و پارسونز^۸ که در نظریه‌های سیستمی بر اهمیت اصل سلطه برای حفظ انسجام وحدت خانوادگی تاکید دارند، اصرار می‌ورزد، ولی نه با صراحت و قاطعیت. از نظر او توزیع قدرت بسته به نحوه تقسیم کار بین زن و مرد است. شرکت فعالانه زن در تامین و حفظ حیات اقتصادی خانواده همیشه باعث تحدید قدرت و سلطه مرد بوده است. جدائی نقش زن و مرد از یکدیگر باعث بوجود آمدن قلمروهای مستقل و جداگانه‌ای شده است. هر فرد در حیطه خود مستقل بوده و در حوزه اقتدار خود، صاحب قدرت است. سلطه در خانواده امری مشروع و قانونی است. (روزن باوم، ۱۳۶۷، ۱۰۶)

از نظر کونینگ حفظ وحدت گروه خانوادگی از اولویت برخوردار است. تمایل به تشریک مساعی را که برای خانواده مقوله‌ای تعیین کننده است، زمانی می‌توان

۵. Konig

۶. Schelsky

۷. Homans

۸. Parsons

دریافت که به جای خواسته‌های فردی، موجودیت گروهی قرار گیرد. کونینگ تشریح مساعی را در تبدیل «من» به «ما» جستجو می‌کند. بزعم کونینگ، برابری در حال پیشرفت زنان با مردان، معلول حقوق فردی زنان نیست، بلکه منحصراً نتیجه تشکیل اجتماع خانوادگی است که برپایه به رسمیت شناختن و اندیشمند بودن فرد استوار است. مساعی در حال تزاید برابری طلبانه زنان که برای مناسبات خانوادگی خطرناک است، عامل تزلزل اجتماعات است و فقط تباهی خانواده را در بر دارد» (همان، ۱۰۴). از نتایج تحقیقات وی چنین برمی‌آید که زنان خانه‌دار نه تنها از نظر کمک اقتصادی بلکه از حیث بلوغ فکری به جهت محدودیت برخورد با محیط اجتماعی و دنیای اقتصادی، بیشتر از زنان شاغل فاقد فرزند، به شوهران خود وابسته‌اند. و نتیجه آن را متوقف ماندن رشد فکری زن در زندگی خانوادگی می‌داند که بعدها تفاهم و توافق زندگی مشترک زناشویی را دچار مخاطره می‌کند.

۲. شلسکی

شلسکی سلطه طبیعی در خانواده را در مقابل سلطه انتزاعی موجود در جامعه قرار می‌دهد. وی متأثر از شرایط بحرانی بعد از جنگ جهانی دوم، سلطه طبیعی مرد بر سایر اعضاء خانواده را ضامن حفظ کارکردهای خانواده می‌داند و بر خانه‌داری زن تاکید دارد. زیرا تنها در این حالت کارآیی منحصر به فرد خانواده که سبب تربیت فرزندان در محیطی سرشار از اعتماد و مراقبت می‌شود، تضمین می‌گردد. از دید شلسکی این مجموعه، یعنی پدر نان آور قدرتمند و مادر مسئول فرزندان را، برای حفظ ثبات اجتماعی به هر قیمتی باید حفظ کرد. او حتی با آگاه کردن زنان از روابط زندگی و آنچه که می‌تواند آنها را به تامل و تفکر وادارد، مخالف است.

(روزن باوم، ۱۳۶۷، ۳۴)

با استفاده از مباحث مطرح شده در دو نظریه تضاد و اقتدار، علاوه بر ویژگیهای تعیین کننده اجتماعی مانند سن، تحصیلات، شغل زن و شوهر و ... رابطه دو متغیر مهم «تضاد میان زن و شوهر»، «اقتدار مرد در خانواده» و «خشونت علیه زنان» مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

روش تحقیق

در این پژوهش از دو روش تحقیق استفاده شده است :

۱. اسنادی : با مراجعه به کتب و منابع موجود در مورد خشونت بطور اعم و خشونت علیه زنان بطور اخص و عوامل موثر بر آن، دیدگاههای نظری مختلف مورد مطالعه قرار گرفت و براین اساس قسمتهای اولیه پژوهش تدوین گردید.
۲. پیمایشی : در این روش با مشخص کردن جامعه آماری و تعیین حجم نمونه، از تکنیک پرسشنامه استفاده شد. و با توجه به آن سوالات مورد نظر را مطرح و پس از تکمیل آنها، فرضیههای تحقیق به بوته آزمایش گذاشته شد.

نمونه گیری و توزیع حجم نمونه :

جامعه آماری این پژوهش، زنان و مردان دارای همسر شهرستان شهرکرد در سرشماری ۱۳۷۵ می باشد که تعداد آن ۱۲۹۹۳۹ نفر بوده است. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه بدین صورت انتخاب شد :

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

n : حجم جمعیت نمونه

N : حجم جامعه آماری = ۱۲۹۹۳۹

t : ضریب اطمینان = ۱/۹۶

d : دقت احتمالی مطلوب = ۰/۰۵

p : احتمال وجود صفت در جامعه = ۰/۳

q : احتمال عدم وجود صفت در جامعه = ۰/۷

بدین ترتیب حجم نمونه ۳۲۴ مورد در نظر گرفته شد و چون پرسشنامهها

زوجی بودند، ۱۶۲ پرسشنامه زوجی در معرض آزمون قرار گرفت. شهرستان شهرکرد

دارای ۸ نقطه شهری و ۸۱ نقطه روستایی است*. علاوه بر نقاط شهری، چون نقاط روستایی از نظر جمعیتی همگن تر هستند، براساس نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک، ۱۰ روستا انتخاب شد. توزیع نمونه برحسب جمعیت و با توجه به نمونه‌گیری با حجم متناسب بوده و بصورت زیر می‌باشد:

$$n_i = \frac{N_i}{N} \times n$$

تعداد نمونه از نقطه n_i

یافته‌های تحقیق

خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش به تفکیک مهمترین فرضیات تحقیق که از چارچوب نظری و پیشینه تحقیق استخراج شده است، ارائه می‌گردد.

۱. رابطه تحصیلات و خشونت علیه زنان

بنظر می‌رسد بین میزان تحصیلات مرد و خشونت علیه زنان ارتباط معنی‌داری وجود دارد. همچنین فرض می‌شود که میان تحصیلات زن و خشونت علیه زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

چون جمعیت نمونه انتخاب شده در سطح فضای وسیعی پراکنده شده بود، از اطلاعات مربوط به تحصیلات در سه سطح کمتر از سیکل، دبیرستان و عالی تقسیم شد. آزمون خی دو را در مورد تحصیلات مرد و خشونت علیه زنان انجام دادیم. سطح معنی‌داری با درجه آزادی شش، $0/078$ بدست آمد که چون این سطح معنی‌داری از سطح معنی‌داری مورد قبول، یعنی $0/05$ بزرگتر است، در نتیجه فرض H_0 یعنی عدم ارتباط بین دو متغیر (تحصیلات مرد و خشونت علیه زنان)، مورد قبول واقع می‌شود و در نتیجه بین تحصیلات مرد و خشونت علیه زنان، ارتباط معنی‌داری وجود ندارد.

* نقاط شهری شامل: فرخ‌شهر - سامان - سورشجان - کیان - هفشجان - شلمزار و بن و نقاط روستایی شامل: شیخ شبان - دستگرد امامزاده - تشنیز - گهرو - مهدیه - چمزین - شمس آباد - سودجان - چم کاکا و هوره

فرضیه رابطه بین میزان تحصیلات زن و خشونت علیه زنان هم مورد آزمون قرار گرفت که مقدار χ^2 دو با درجه آزادی شش، ۶/۵۹۸ بدست آمد و سطح معنی داری، ۰/۳۶۰ می باشد که باز هم به علت بزرگتر بودن از ۰/۰۵ فرضیه ما مورد تایید قرار نگرفت. برای اینکه مقایسه ای بین تحصیلات مردان و زنان و تأثیر آن بر خشونت علیه زنان داشته باشیم از آزمون فی^(۳) استفاده کرده ایم :

جدول شماره ۱ : آزمون فی (سنجش برابر- متشابه)^۴ تحصیلات زن و مرد و خشونت علیه زنان

جنسیت	سطح معنی داری	مقدار phi
زن	۰/۳۶۰	۰/۲۰۲
مرد	۰/۰۷۸	۰/۲۶۵

از اطلاعات جدول فوق می توان نتیجه گرفت که چون مقدار فی بدست آمده برای تحصیلات مردان بیشتر از تحصیلات زنان است (۰/۲۶۵ در مقابل ۰/۲۰۲)، در نتیجه تأثیر (پیوند) تحصیلات مردان بر خشونت علیه زنان بیشتر از تحصیلات زنان می باشد.

۲. رابطه وضعیت اشتغال زن و مرد

بین وضعیت اشتغال مرد و زن و خشونت علیه زنان ارتباط وجود دارد. پس از انجام آزمون، مقدار χ^2 دو با درجه آزادی سه، ۷/۱۳۶ و سطح معنی داری ۰/۰۶۸ شد. در نتیجه بین اشتغال مرد و خشونت علیه زنان ارتباط معنی دار بدست نیامد. همچنین در مورد اشتغال زن آماره ها نشان می دهد که بین اشتغال زن و خشونت علیه زنان ارتباط معنی دار وجود ندارد.

بررسی بیشتر در مورد رابطه معنی دار بین نوع شغل مردان و خشونت علیه زنان فرضیه سوم تحقیق را تشکیل می دهد. پس از انجام آزمون χ^2 دو چون مقدار بدست

آمده از سطح معنی‌داری مورد قبول کوچکتر است. در نتیجه بین نوع شغل مرد و خشونت علیه زنان ارتباط معنی‌دار وجود دارد. از اطلاعات مربوط به نوع شغل‌ها می‌توان فهمید که در بین کارگران بیشترین خشونت (۳۳/۱٪) از آنان خشونت در سطح بالا داشته‌اند) و در بین کارمندان کمترین خشونت وجود داشته است (۳/۳٪ از آنان خشونت در سطح بالا داشته‌اند).

۳. تفاوت سنی زوجین

اطلاعات گردآوری شده درباره رابطه تفاوت سنی زوجین و خشونت علیه زنان نشان می‌دهد بین تفاوت سنی زن و مرد و خشونت علیه زنان ارتباط معنی‌دار وجود ندارد. علاوه بر این بین متغیر «طول دوران زناشویی» (مدت زمانی که از ازدواج می‌گذرد) و خشونت علیه زنان نیز ارتباط معنی‌دار بدست نیامد.

۴. تضاد بین زن و مرد

براساس چارچوب نظری تحقیق بین تضاد و تفاوت علائق بین زوجین و خشونت علیه زنان ارتباط وجود دارد. این فرضیه یک بار از دید زنان، یک بار از دید مردان آزمون شد. در مورد مردان مقدار خبی دو با درجه آزادی شش، عدد ۱۲۲/۴۶۰ بدست آمد در مورد زنان مقدار خبی دو با درجه آزادی دو ۱۵/۸۹۱ بدست آمد و سطح معنی‌داری (sig = ۰/۰۰۰) مورد قبول واقع شد و در نتیجه تفاوت علائق و تضاد میان زن و شوهر با خشونت رابطه معنی‌داری را نشان می‌دهد.

۵. اقتدار مرد در خانواده

رابطه متغیر اقتدار مرد در خانواده و خشونت علیه زنان با اندازه‌گیری اقتدار در سه سطح زیاد، متوسط و کم آزمون مقدار خبی دو با درجه آزادی شش ۸۱/۲۹۳ و سطح معنی‌داری (sig = ۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که در جامعه مورد بررسی این پژوهش نیز مردانی که دارای اقتدار بالا هستند نسبت به زنانشان خشونت بیشتری اعمال کرده‌اند.

۶. شبکه روابط اجتماعی

براساس مشاهدات روزمره غالباً تصور می‌شود بین دخالت اطرافیان (زن و مرد) و خشونت علیه زنان ارتباط وجود دارد. این فرضیه هم از دید مردان و هم از دید زنان آزمون شد. از دید مردان مقدار خی دو، با درجه آزادی سه، $۸/۳۳$ و سطح معنی‌داری $۰/۰۴۰$ بدست آمد که فرضیه مورد تایید واقع می‌شود. ولی از نظر زن، سطح معنی‌داری $۰/۱۵۶$ بدست آمد که فرضیه مورد تایید قرار نمی‌گیرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت مردانی که معتقد به استفاده خشونت علیه همسرانشان هستند، ادعا می‌کنند که اطرافیان همسرانشان در زندگی آنها دخالت می‌کرده‌اند.

در مقایسه پاسخ‌های مردان و زنان در مورد وجود خشونت در خانواده، اطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد که حدود ۷% مردان خشونت علیه زنان را در حد متوسط و بیشتر اذعان نموده‌اند در حالی که نزدیک به ۲۲% از زنان، وجود خشونت متوسط و بیشتر را در خانواده متذکر شده‌اند. بنابراین بنظر می‌رسد که زنان بیشتر معتقد به وجود خشونت در خانواده‌هایشان هستند در حالی که مردان آنرا کتمان می‌کنند.

• نتیجه گیری و ارائه راهکارها

بررسی وضعیت خشونت علیه زنان در شهرستان شهرکرد نشان دهنده شدت خشونت در دو حوزه شهری و روستایی است:

۱. مراکز شهری: بیشترین شدت خشونت در شهر هفشجان با ۱۱ درصد خشونت زیاد و کمترین در شهر سامان با صفر درصد خشونت زیاد گزارش شده است.

۲. مراکز روستایی: در مراکز روستایی، تشنیز حدود ۳۳% موارد مطالعه شده در حوزه خشونت زیاد و گهرو با صفر درصد در حوزه زیاد، به ترتیب بیشترین شدت و کمترین شدت را داشته است. از مقایسه مراکز شهری و روستایی مشخص می‌گردد که در مراکز روستایی خشونت بیشتری علیه زنان نسبت به مراکز شهری اعمال

می‌شود. در مراکز شهری حدود ۲٪ خشونت زیاد در خانواده بوده در حالی که در مراکز روستایی این رقم نزدیک به ۸٪ گزارش شده است. در مورد عوامل موثر بر خشونت علیه زنان طبق تحلیل رگرسیون عواملی که بیشترین تاثیر را داشته، عبارتند از: اقتدار مرد، تضاد و تفاوت علائق بین زن و مرد، آشنایی قبل از ازدواج و دخالت اطرافیان.

همچنان که در چارچوب نظری اشاره شد نظریه تضاد بر این است که هر چه تضاد در خانواده بیشتر باشد احتمال بروز خشونت بیشتر است. طبق این نظریه تضاد زمینه تنش را فراهم می‌کند و تنش موجب خشونت است.

در خانواده‌هایی که مرد قدرت کافی را برای تابع نمودن دیگری ندارد و می‌خواهد سلطه خود را اعمال کند، تضاد و درگیری بیشتری وجود دارد. در خانواده‌هایی که مرد بر دیگر منابع قدرت تسلط ندارد، کاربرد خشونت بعنوان آخرین ابزار برای حل تضادها افزایش می‌یابد. از اینرو در خانواده‌های طبقات پایین اجتماع که با فشار و تنشهای بیشتری روبرویند، خطر توسل مردان به خشونت بیشتر است.

براساس نظریه اقتدار شرکت فعالانه زن در تأمین و حفظ حیات اقتصادی خانواده، همیشه باعث تحدید قدرت و سلطه مرد می‌شود و آگاهی زنان از روابط زندگی و رشد فکری آنان باعث ایجاد اختلاف سطح اندیشه زوجین، باعث از هم پاشیدگی خانواده می‌شود.

بنظر می‌رسد اصول نظریه تضاد و اقتدار تا حدودی با هم تداخل دارند و کفه ترازو به نفع نظریه اقتدار در امور مربوط به خشونت سنگینی می‌کند. یعنی خشونتی که بواسطه تضاد در بین زن و مرد در خانواده بوجود می‌آید، به میزان سلطه و اقتدار مرد در خانواده مربوط می‌شود. اگر اقتدار بالا رود، تضاد هم افزایش پیدا می‌کند. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد مهمترین عواملی که با خشونت علیه زنان مرتبط هستند اقتدار مرد، تضاد و دخالت اطرافیان در امور خانواده (که به نوعی می‌خواهد سلطه مرد را تقلیل دهد) می‌باشد. به نظر می‌رسد اصل اقتدار در خانواده بطور اعم و سلطه بی

چون و چرای مرد در خانواده در تصمیم‌گیری‌ها بیشترین تأثیر را در خشونت علیه زنان داشته است و این به نگرش مرد سالاری در خانواده‌های ایرانی باز می‌گردد.

جامعه ایران بویژه جامعه مورد تحقیق، جامعه‌ای است که هنوز بسیاری از اصول سنتی خود را حفظ نموده است. نگرش مرد سالاری در این جامعه که جامعه‌ای ایلاتی و عشایری بوده است، با خون مردم این منطقه عجین شده و هنوز بن‌مایه‌های خود را حفظ کرده است. برای از بین بردن زمینه‌های خشونت، لازم است در درجه اول آگاهی‌های مردم را بالا برد، آگاهی رابطه معکوس با خشونت دارد. زنانی که هنوز بعلت پایین بودن سطح سواد و آگاهی‌هایشان با حقوق فردی و اجتماعی خود آشنا نیستند و به نوعی این تحمیل را پذیرفته‌اند و اعتراضی هم نمی‌کنند، چطور می‌توانند در جهت تقلیل این خشونت موثر باشند. در درجه دوم، باید زمینه‌هایی فراهم شود تا از وابستگی زن به مرد در این جامعه کاسته شود که مهمترین زمینه وابستگی، وابستگی اقتصادی است. ترغیب زنان به مشارکت در امور اقتصادی و اشتغال می‌تواند ریسمان این وابستگی را باریکتر کند. اختصاص دادن بیمه‌های اجتماعی به زنان طبقات پایین اجتماع و کم درآمد می‌تواند زنان را در زمانهایی که مشکلات و ستیزهای خانوادگی برای آنان پیش می‌آید و یا حتی در دوران بارداری و حساس زندگیشان، تا حدودی از آسیب‌پذیری جسمی و روانی آنان جلوگیری نماید، راهکار دیگری است که به تقلیل خشونت علیه آنان کمک می‌کند. تعداد موارد نادر پژوهش درباره خشونت علیه زنان حاکی از این مسئله است که تا زمانی جوامع در جهت پیشگیری از پدیده خشونت علیه زنان، پژوهش‌های علمی، دقیق و برنامه‌ریزی شده انجام ندهند راهی به سوی مقصود نخواهند برد.

پی‌نوشت

(۱) این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی استاد محترم جناب آقای دکتر ساروخانی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران سال ۱۳۸۰ استخراج و تنظیم شده است.

(۲) کمیسیون مقام زن یک گروه اجرایی میان دوره‌ای را برای تهیه پیش نویس «اعلامیه رفع خشونت علیه زنان» در سپتامبر ۱۹۹۲ میلادی فراخواند، هیئتهای ۴۸ کشور عضو شرکت کننده در این اجلاس از ۴۸ مرد و ۵۸ زن تشکیل شده بودند، این گروه به اتفاق آراء متن پیش نویس اعلامیه را مورد تصویب قرار داده و به سی و هفتمین اجلاس کمیسیون مقام زن تقدیم کردند که بالاخره مجمع عمومی طی قطعنامه ۴۸/۱۰۴ خود در سپتامبر ۱۹۹۲ آنرا مورد تصویب قرار داد. علاوه بر مورد فوق، کنفرانسهای دیگری نیز در مورد منزلت اجتماعی زنان تشکیل شد، محیط زیست و توسعه در ریودوژانیرو (۱۹۹۲)، حقوق بشر در وین (۱۹۹۳)، جمعیت و توسعه در قاهره (۱۹۹۴)، توسعه اجتماعی در کینهاک (۱۹۹۵)، چهارمین کنفرانس جهانی زن در پکن (۱۹۹۵) و ...

(۳) آزمون فی (سنجش برابر - متشابه) برای مقایسه دو گروه به منظور بررسی پیوند یا تأثیر بکار می‌رود. آزمون فی درجه پیوند یک متغیر را با متغیر دیگر و مقایسه آن با دو گروه دیگر را بیان می‌کند.

منابع

- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶)، جامعه شناسی خانواده، روشنگران، مطالعات زنان، تهران.
- درویش پور، مهرداد (۱۳۷۸)، «چرا مردان علیه زنان به اعمال خشونت ترغیب می شوند»، نشریه زنان، شماره ۵۶، مهر.
- روزن باوم، هایدی (۱۳۶۷)، خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه دکتر محمدصادق مهدوی، نشر دانشگاهی.
- روی، ماریا (۱۳۷۷)، روانشناختی خشونت در خانواده: زنان کتک خورده، ترجمه مهدی قرچه داغی، تهران، نشر علمی، تهران.
- سام گیس، بنفشه (۱۳۷۷)، «چرا همسرانشان را آزار می دهند»، روزنامه خرداد، ۸ دی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دوائرالمعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان.
- طاهری، شهلا (۱۳۷۹)، بررسی میزان خشونت فیزیکی علیه زنان در خانواده در بین مراجعین به پزشکی قانونی و سایر خدمات درمانی شهرستان خدابنده، استانداری زنجان.
- فرنچ، مارلین (۱۳۷۳)، جنگ علیه زنان، ترجمه توراندخت تمدن (مالکی)، نشر دانشگاهی، تهران.
- کرلینجر، فرد. ان (۱۳۷۷)، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه دکتر حسن پاشا شریعتی و دکتر جعفر نجفی زند، انتشارات آوای نور، چاپ دوم، جلد اول و دوم.
- فتاحی، مریم (۱۳۷۹)، «بررسی وضعیت خشونت نسبت به زنان در خانواده‌های تهرانی»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۹)، پژوهش در باره خشونت علیه زنان در ایران، مطالعات زنان، روشنگران، تهران.
- گزارشی از ازدواج‌های اجباری در استان چهارمحال و بختیاری، «اینجا رنگ خوشبختی ناپیدا است»، روزنامه زن، (۱۳۷۷) سال اول، شماره ۸۲، ۲۰ دی.

- معتمدی مهر، مهدی (۱۳۸۰)، حمایت از زنان در برابر خشونت سیاسی جنایی انگلستان، انتشارات برگ زیتون، تهران.
- میشل، آندره (۱۳۵۴)، جامعه شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، دانشگاه تهران.
- میل، جان استوارت (۱۳۷۹)، انقیاد زن، ترجمه علاءالدین طباطبائی، هرمس، تهران.
- مولاوردی، شهیندخت (۱۳۷۸)، «حقوق بین الملل و رفع خشونت نسبت به زنان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- Kilen Renate, C.A (1998), "Multidisciplinary Perspectives on Family Violence", Routledge.
- Paidar, Parvin (1995), "Women and the Political Process in Twentieth Century", Cambridge University Press.
- U.N. (1995) "Report of the United Nation Special Repporteur on Violence Against Women".
- U.N, (1998) "Declaration, On the Elimination of Violence Against Women", New York, feb.